



● به نظران بازار با این اقدامات آرام‌تر شد؟

بله. با اینکه نرخ ارز مقداری بالاتر رفت، اما از آنجا که ما به دنبال آن یک مرکز مبادله ارزی ایجاد کردیم بازار سرو سامان یافت و در واقع هر چه مرکز مبادله بسط یافت، التهاب بازار بیشتر فروکش کرد.

● این طرح یعنی تشکیل مرکز مبادله ارزی، ایده چه کسی بود؟

وقتی طرح معامله گواهی ارزی در بورس با تردید مواجه شد این سؤال در ذهن‌ها پیش آمد که «اگر بورس نه، پس کجا؟» که در نهایت بانک‌ها به‌صورت مدیریت شده جای بورس را گرفتند. یک دستورالعمل اجرایی داشتیم که همکاران تحت عنوان «دستورالعمل اجرایی بورس ارزی» تهیه کرده بودند. لذا آن ساختاری که در نظر بود، با تغییراتی در سیستم بانکی اجرا شد. منتها یاد هست آقای دکتر غضنفری، پیشنهاد داد ما از یک مدل مشابه پنجره واحد «single window» استفاده کنیم تا این کار در سیستم بانکی پخش نباشد. بعد از آن به همت دکتر غضنفری مکان اولیه این کار، توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت در اختیار قرار گرفت. بدین ترتیب راه‌اندازی بازار منعطف‌تر ارزی یا مرکز مبادله ارزی با تغییراتی اجرا شد که هنوز هم در حال فعالیت است. البته مرکز مبادله ارزی به تدریج گسترش یافت، یعنی از تعداد محدود و اولویت‌های محدودی از کالا شروع و بتدریج گسترش یافت.

ضمن اینکه راه‌اندازی مرکز مبادلات ارزی تمام کار نبود، بلکه فقط بخشی از کار بود. در کارگروه اقتصادی ستاد تدابیر ویژه، طرحی تحت عنوان «ساماندهی بازار ارز، کالا و خدمات» در تاریخ ۱۳۹۱/۸/۱۶ تهیه و تصویب شد. این طرح دارای ۱۶ ماده بود که اعضای کارگروه اقتصادی ستاد تدابیر ویژه شامل آقایان «نجار[۵]، وزیرکشور - غضنفری، وزیر صنعت، معدن و تجارت - خلیلیان، وزیر جهاد کشاورزی - قاسمی، وزیر نفت - بنده، بهروز مرادی، معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور و محمود بهمنی، رئیس کل بانک مرکزی» آن را تهیه کردند و در بیست و چهارم آبان ماه (۱۳۹۱/۸/۲۴) به تأیید دکتر احمدی‌نژاد رسید که ایشان در زیر نامه نوشتند: «موافقم ان‌شاءالله موفق باشید.» البته باید گفت این طرح دفعی نبود و ما کارهای مختلفی در بخش‌های گوناگون از قبیل انجام داده بودیم اما این بار تجربیات و اقداماتی را که انجام داده بودیم بازهمندسی کرده و در قالب یک «طرح» سازماندهی کردیم.

در سال ۱۳۹۱، دیگر رفته رفته ارز مرجع به کالاهای معدود و اولویت‌دار تخصیص داده شد. در حالی که در سال ۱۳۹۰، ارزهای نفتی متعلق به دولت در اختیار بانک مرکزی بود همه کالاهای و خدمات، ۱۲۲۶ تومن فروخته می‌شد اما در سال ۱۳۹۱ با توجه به شکاف بین نرخ ارز رسمی و غیررسمی و محدودیت ارز، قرار شد تا این شکاف به حداقل برسد. لذا مکان مبادله ارزی فراهم شد و تصمیم گرفتیم مبادلات منعطف، اما قابل ثبت و ضبط باشد. بانک مرکزی ارزهای نفتی متعلق به دولت و در اختیارش را برای اولویت اول و دوم با نرخ مرجع، عرضه می‌کرد اما از پتروشیمی‌ها و صندوق توسعه ملی با نرخ مرکز مبادله برای سایر اولویت‌ها استفاده شد.

همچنین در تخصیص ارز، نظارت به‌مراتب تقویت شد. لذا در سال ۹۱ در نهایت فقط گروه ۱ و ۲ مشمول ارز مرجع می‌شدند و گروه ۳ تا ۹ باید برای دریافت ارز به مرکز مبادلات می‌رفتند، که گفتیم در لایحه بودجه ۱۳۹۲ این تمهید اندیشیده شد که نرخ ارز مرجع و نرخ ارز مرکز مبادله

یکسان شوند که چنین هم شد. در واقع رویکرد به سمت یکسان کردن نرخ ارز بود، اما بنا به توضیحاتی که در خصوص بازار ارز دادم، امکان تک‌نرخ شدن ارز بنا به محدودیت‌های تبدیل و جابه‌جایی ارز در خارج از کشور فراهم نبود، کما اینکه بیش از سه سال از تغییر دولت می‌گذرد و هنوز چنین اقدامی نشده است.

● در درون یا خارج دولت کسی با ایده مرکز مبادله ارزی مخالفت نکرد؟

این بحث دارای منطق قوی بود که همه با آن موافق بودند. البته کسانی بودند که می‌گفتند: «چرا بانکی.» این افراد کسانی بودند که آن موقع مسئولیت اجرایی نداشتند. به عبارتی پیشنهادشان مبتنی بر مسئولیت‌پذیری نبود. همان‌طور که گفتم حتی در روزهای اول اجرای این طرح، همه بانک‌ها به این بازار دسترسی نداشتند و این کار در ابتدا با چند بانک آغاز شد. در واقع این ایده از یک حالت تجربه‌شده یعنی معامله گواهی ارزی در گذشته، ولی این بار در بورس ریشه گرفت ولی به یک طرح جدید تبدیل شد. البته به‌صورت مرحله‌ای و تدریجی گسترش پیدا کرد. از یک طرف کالاها از اولویت‌داری دسترسی به ارز مرجع خارج می‌شدند و از طرف دیگر با اولویت ارز مرکز مبادله به این بازار دسترسی می‌یافتند. محور این کار بانک مرکزی بود، اما این بار ثبت سفارش توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت و تخصیص ارز توسط بانک مرکزی و مبادلات تجار و بانک‌ها در مرکز مبادله مستقر و هماهنگ شدند. ضمن اینکه تجار علاوه بر خرید ارز امکان عرضه ارز به نرخ مورد توافق در مرکز مبادله را داشتند. در مجموع به نظر من مبنای ثبات ارزی از اینجا صورت گرفت و فضای مناسبی ایجاد شد. من فکر می‌کنم اگر مرکز مبادله ارزی نبود یا این تصمیم اجرا نمی‌شد نوسان نرخ ارز بیشتر می‌شد. همین الان اگر برخی از ضعف‌هایی که به این بازار تبدیل شده است برطرف نشود ممکن است در هر مقطعی که کشور دچار شوک سیاسی می‌شود بازار ارز ما نیز دچار تلاطم شود.

یکی از بندهای طرح ساماندهی بازار ارز، کالاها و خدمات این بود که هرکسی بخواهد کالایی را وارد کند باید مشخص کند ارز خود را از کجا تهیه کرده است. البته باید همه آن کنترل‌ها و محرمانگی‌ها رعایت و لحاظ شود. اگر شما ارز داشته باشید در نهایت باید آن را به ریال تبدیل کنید، چون در غیر این صورت منجر به خروج سرمایه می‌شود که دولت موظف است آن را کنترل کند.

آیا در دنیا کشور پیشرفته‌ای وجود دارد که منبع تهیه ارز واردکننده‌هایش و مقدار ارز صادرکنندگان آن مشخص نباشد؟ حتی یکی از کارکردهای سیستم‌هایی مانند سوئیفت همین است که مبادلات را کنترل کنند. جالب است وقتی با کشورهای دیگر کار می‌شود، همه تجار و طرفداران اقتصاد آزاد در کشور ما، تمام این محدودیت‌ها را می‌پذیرند. همین الان وقتی می‌خواهند از سایر کشورها کالا بخرند، آنها می‌گویند: «منشأ ارزتان کجاست؟» ولی وقتی می‌خواهید همین سیاست را در داخل کشور اجرایی کنید، عده‌ای هیاهو و جنجال ایجاد می‌کنند. در همان مقطع وقتی خواستیم نظارت بر مبادلات ارزی را مستقر کنیم از ظرفیت قانون برنامه پنجم استفاده کردیم. ما در واقع به ماده ۱۲۰ قانون برنامه پنجم استناد کردیم که می‌گوید: «شرط برخورداری از هرگونه معافیت مالیاتی ارائه اظهارنامه است.» این اظهارنامه نیز باید توسط سیستم اطلاعات اقتصادی



اولین شوک ارزی

نیز حوالی مرداد تا

شهریورماه ۱۳۸۹ روی

داد. البته در مهر و آبان

ماه نیز شاهد تلاطم‌های

جزئی بودیم. اما در

آذرماه تقریباً به ثبات

رسیدیم. وقتی وارد سال

۱۳۹۰ شدیم در شش ماه

اول سال اوضاع مناسب

بود. اما از اواخر پاییز

این فاصله و اختلاف

نرخ‌ها در بازار ارز بیشتر

می‌شد. با تحریم بانک

مرکزی و تحریم خرید

نفت از ایران، بازار ارز،

شوکه‌های جدیدی را

تجربه کرد. فشار اصلی

یعنی تحریم بانک

مرکزی در زمستان

سال ۱۳۹۰ خودش را

نشان داد و فشار تحریم

نفتی در بهار سال ۱۳۹۱

اوج گرفت. لذا ما در

سال ۱۳۹۱ به مرحله‌ای

رسیدیم که بانک مرکزی

در توان خود برای ایفای

نقش مداخله‌ای در

بازار ارز و حالا یک بازار

متصور یعنی بورس یا

گواهی ارزی دچار تردید

می‌شود



طرفداران پیمان سپاری ارزی

سال ۹۰ و ۹۱ برخی از افراد مانند آقای مصباحی مقدم در فرایندهای تصمیم‌گیری طرفدار «نظام پیمان سپاری» بودند. در مقابل، اکثر دوستان در ستاد تدابیر ویژه با این مسأله مخالف بودیم. ما می‌گفتیم: «نباید به صادرکننده بگوییم که شما موظف هستید تا پیمان بسپارید» و «نباید صادرکننده را مجبور به سپردن پیمان کنیم» اما باید بررسی‌ها و ثبت و ضبط‌ها به‌طور دقیق صورت بگیرد.

بشر

قابل راستی‌آزمایی باشد. در ستاد تصویب شد که شرط برخورداری از معافیت مالیات صادراتی تسلیم اظهارنامه است. سال ۹۲ وقتی به زمان پرداخت مالیات رسید، تجار یا باید اظهارنامه می‌دادند و یا باید مالیات خود را پرداخت می‌کردند. اما آنها در هنگام ارائه اظهارنامه به عمد، شبیه «پیمان سپاری» را القا کردند و این بند ستاد تدابیر ویژه را که بواقع الزام قانون برنامه پنجم بود پس از تغییر دولت لغو کردند، یعنی تسلیم اظهارنامه مالیاتی را که در آن تکلیف مبدأ و مقصد ارزی مشخص می‌شد، کنار گذاشتند.

● درباره موضوع «پیمان سپاری»

هم توضیح دهید؟ من یادم

هست در سال‌های ۹۰-۹۱

اتفاقاتی از جنس پیمان سپاری،

موجب اختلافات تیم اقتصادی با

برخی از نمایندگان اقتصاد خوانده

مجلس شد.

سال ۹۰ و ۹۱ برخی از افراد مانند آقای مصباحی مقدم در فرایندهای تصمیم‌گیری طرفدار «نظام پیمان سپاری» بودند. در مقابل، اکثر دوستان در ستاد تدابیر ویژه با این مسأله مخالف بودیم. ما می‌گفتیم: «نباید به صادرکننده بگوییم که شما موظف هستید تا پیمان بسپارید» و «نباید صادرکننده را مجبور به سپردن پیمان کنیم» اما باید بررسی‌ها و ثبت و ضبط‌ها به‌طور دقیق صورت بگیرد. لذا در بندی از مصوبات ستاد تدابیر نوشته شده بود: «به منظور مدیریت و تقویت عرضه ارز، اقدامات زیر به عمل می‌آید: پرداخت جایزه و مشوق‌های صادراتی و هر گونه کمک تحت عناوین مشابه و اعمال معافیت‌های مالیاتی صادرات منوط به ورود ارز حاصل از صادرات غیرنفتی به چرخه تجاری کشور است.» در مصوبه دولت یازدهم همچنان پرداخت جایزه و مشوق صادراتی وجود دارد. من وقتی این خبر را از تلویزیون شنیدم، ابتدا با خودم گفتم: «الحمدلله اینکه همان طرح تصویب شده در دولت دهم است!» اما وقتی به متن آن دقت کردم متوجه شدم که این شرط برای اعطای جایزه و مشوق صادراتی حفظ شده ولی برای اعمال معافیت مالیاتی که جزء حقوق ملی است، حذف شده است. جالب است بدانید که جایزه و مشوق صادراتی در عمل در کار نبود و نیست!

پس نه پیمان سپاری در کار بوده و نه پیمان سپاری لغو شده است، بلکه شرط ارائه اظهارنامه مالیاتی با آن کیفیت که گفتم، برای برخورداری از معافیت مالیاتی صادراتی لغو شد. اظهارنامه‌های مالیاتی صادراتی یا صوری می‌شود یا اینکه حداقل حاوی اطلاعاتی که قابلیت رسیدگی و نظارت‌گردش ارزی داشته باشد، نخواهد بود.



بازار ارز چگونه به ثبات رسید؟

بشر

کسانی بودند که می‌گفتند: «چرا مرکز مبادله، باید بگوییم: «سیستم بانکی.» این افراد کسانی بودند که آن موقع مسئولیت اجرایی نداشتند. به عبارتی پیشنهادشان مبتنی بر مسئولیت‌پذیری نبود. همان‌طور که گفتم حتی در روزهای اول اجرای این طرح، همه بانک‌ها به این بازار دسترسی نداشتند و این کار در ابتدا با چند بانک آغاز شد. در واقع این ایده از یک حالت تجربه‌شده یعنی معامله گواهی ارزی در گذشته، ولی این بار در بورس ریشه گرفت و به یک طرح جدید تبدیل شد. البته به‌صورت مرحله‌ای و تدریجی گسترش پیدا کرد. از یک طرف کالاها از اولویت‌داری دسترسی به ارز مرجع خارج می‌شدند و از طرف دیگر با اولویت ارز مرکز مبادله به این بازار دسترسی می‌شدند و محور این کار بانک مرکزی بود، اما این بار ثبت سفارش توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت و تخصیص ارز توسط بانک مرکزی و مبادلات تجار و بانک‌ها در مرکز مبادله مستقر و هماهنگ شدند. ضمن اینکه تجار علاوه بر خرید ارز امکان عرضه ارز به نرخ مورد توافق در مرکز مبادله را داشتند. در مجموع به نظر من مبنای ثبات ارزی از اینجا صورت گرفت و فضای مناسبی ایجاد شد.